

ذکر آن شعارش وفاق

مجددکوپن ارزاق، آن شعار دولتش اتحاد و وفاق، البته به جز بچه‌های آن اتاق! آن سازنده ششصد خانه بهداشت برای روستاییان، الشیخنا داکتر مسعود پزشکیان (دامت ریاسته!) مخالفش با فیلترینگ در حد رفع فیلتر واتس‌آپ، رضی‌الله عنہم رفع فیلتره.

آن نماینده مجلس و وزیر بهداشت ماضی، آن شیوه راه رفتنش لاتی، نشده با خیلی‌ها قاطی، آن وکالت و وزارت و ریاست را علاقه، برای انواع ناترازی دارای بهانه، حافظ کل نهج البلاغه! آن خاموشاننده انواع لامپ، ریاست جمهوری میلش نبوده ولی با اصرار رفته پای استامپ، آن آورنده

درد نیست!، مریدان جامه دریدند و منشوری سر به بیابان نهادند در سرما!
روز دیگر مریدان از تورم بالا و رکود و دلار ۹۰ و خرده‌ای هزار تومان و قیمت هر گرم سیم و زر و بدتر از همه بی تفاوتی شیخ و کابینه موی بکندی و سمت شیخ روان شدند که چه نشسته‌ای؟! شیخ انگشت به سمت وزیر اقتصاد چرخاند... اما چون جای وی خالی بدید، انگشت به سمت فرزند چرخاند و گفت: «من هیچ‌کاره بیدم! از این بپرسید» و چون مریدان سراغ فرزند رفتند و او هم انگشت بچرخاند و بعدی هم بچرخاند و... مریدان همچنان دنبال انتهای انگشت‌ها می‌چرخند. رضی‌الله عنہم فرافکنیه. وی را تصانیف زیاد است و کرامات ادامه‌دار!

جسمانی و کلامی شیخ افسرده‌گشته و شیخ ایشان را فلوکستین تجویز نمود!
روزی مریدان را فرمود: «اخفف دو درجه دمای منزل فقط!! وگرنه اقطع الکتربسیته و الگاز منازل اجبارا! الگاز لاموجود فی جمیع النبروگاه!» مریدان جمله گوش بکردندی و پویش ملی نمودندی و دما کم کردند و دلخ و جبه بیشتر در خانقاه پوشیدندی و گفته شیخ چراغ راه خویش ساختندی، ولی همان چراغ راه نیز مجدد قطع بشد! جمیعاً گفتند: «یا شیخ، ما را ایستگاه نموده‌ای؟ آنچه خواستی شد. حتی پویش کردیم، ولی چرا باز قطعیدی؟!» انگشت اشارت به سمت شیخ علی‌آبادی (وزیر نیرو) بچرخاند و چیزهایی زیر لب نثارش کرد و بعد گفت: «اشتباه محاسبه نموده، دو درجه دمای

نقل است شیخ را دیدند در مدرسه‌ای بیل به دست گرفته به جهت بنایی یا مترو سوار گشت در واگن خالی شده به تنهایی! او را گفتند: «شیخ، این حرکت پوپولیستی...» هنوز کلام منعقد نگشته بود که سخنگوی دولت، باوه‌گویان را به گوشه رینگ هدایت کرده و با آپرکات و هوک آگاهشان ساخت تا بدانند شیخ و این برنامه‌ها؟ چه حرفا!
و نیز نقل است روزی گفت من اصلاح طلب نیستم! روز دوم گفت اصلاحات را با جان و دل دوست دارم! روز دگر فرمود من اصول‌گرا هستم! مریدان سرگشته و انگشت به دهان، پرسیدندی این چه حالت است یا شیخ؟! فرمود: «رونالدینیو سیاست‌که عیان است، چه حاجت به بیان است؟!» مریدان از این آمادگی



صفحه ۲۴
۲۵ اسفند ۱۴۰۳
شماره ۱۳۳

